

Assessing the Possibility of Prosecution of Commanders Who Ordered to Terror Martyr Soleimani

Abolfath Khaleghi¹

Received: 09/03/2020; Accepted: 19/04/2020

Abstract

The extensive grounds of terrorist's unpunishment, specifically in the newly-founded and governmental crimes, has affected the frequency of these terrorist acts and has led to the increasing development of their anti-human practices in regional and global levels. The unprecedented order and official terror of internationally protected persons, including the commander of the Quds Force by the US president, is the example of a crime that has violated treaties, customary rules and international legal principles and the new forms of terrorism, which could be imitated by other states' presidents, threatens the peace and stability of the international community. Considering that the terrorist act was committed in the territory of a foreign country with the aiding and abetting of alien's nationals, the victim's country is not easily able to prosecute the commanders who ordered and perpetrators of that incident. This is due to the fact that the terrorist act has occurred outside the territory of the Islamic Republic of Iran and therefore the principle of territorial jurisdiction, which is the basis for the determination and recognition of the competent courts and law, cannot be enforced. Overcoming this fundamental obstacle and finding legal solutions to achieve the governing rules and the competent authority by exploring the jurisdictional aspects of international institutions is a challenge that has been addressed in this article through a descriptive-analytic method of study. Strategies such as applying the principles of substitute competence, using the capacity of the relevant states' cooperation, legal capacity-creating based on the measures tested in the world community, constitute applicable responses for solving the problem.

Key words: Terrorism, Prosecution, Jurisdiction, Martyr Soleimani, Quds Force.



¹ Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom; Email: ab-khaleghi@qom.ac.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اکان نجی تعقیب کیفری آمران ترور شهید سلیمانی

ابوالفتح خالقی^۱

تاریخ دریافت ۹۸/۱۲/۱۹ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۱/۳۱

چکیده

زمینه‌های گسترده‌ی کیفرگریزی تروریست‌ها، به خصوص در جنایات نوپدید و دولتی، بر فراوانی ارتکاب این اقدامات تروریستی اثر گذاشته و موجبات توسعه‌ی فزاینده‌ی شیوه‌های ضد بشری آنها، در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم ساخته است. دستور بی‌سابقه و اعلام رسمی ترور اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، از جمله فرمانده سپاه قدس توسط رئیس دولت ایالات متحد آمریکا، مصداق جنایتی است که ناقض معاهدات، قواعد عرفی و اصول حقوقی بین‌المللی بوده و اشکال نوین آن که از سوی رؤسای سایر دول تقلیدپذیر است، صلح و ثبات جامعه جهانی را تهدید می‌کند. نظر به این که اقدام تروریستی در قلمرو سرزمینی یک کشور خارجی و با مباشرت اتباع بیگانه ارتکاب یافته، کشور قربانی به سهولت قادر نیست تا به تعقیب آمران و مباشران آن حادثه بپردازد. به این دلیل که اقدام تروریستی، خارج از قلمرو جمهوری اسلامی ایران واقع شده و اصل صلاحیت سرزمینی که مبنای تعیین محاکم ذیصلاح و تشخیص قوانین حاکم بر آنهاست، قابل اجرا نمی‌باشد. عبور از این مانع اساسی و یافتن راهکارهای قانونی، برای دستیابی به مقررات حاکم و مرجع ذیصلاح با کاوش در لایه‌های صلاحیتی نهادهای بین‌المللی، چالش‌هایی هستند که در این مقاله با روش مطالعه توصیفی-تحلیلی به آن پرداخته شده است. راهبردهایی نظیر اعمال اصول صلاحیتی جانشین، استفاده از ظرفیت همکاری دول ذیربط، ظرفیت‌سازی حقوقی مبتنی بر تدابیر تجربه شده در جامعه جهانی پاسخ‌های اجراپذیر حل مسئله را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: تروریسم، تعقیب کیفری، صلاحیت، شهید سلیمانی، سپاه قدس.





مقدمه

تأمین استقلال و حفظ تمامیت سرزمینی هر کشور در گرو عوامل متعدد از جمله وجود نیروی نظامی قدرتمند و مستحکم است. این عامل تنها به جامعه امروزی مربوط نیست؛ بلکه از گذشته‌های دور تاکنون پیوسته امنیت و استقلال هر ملت و امدار تدابیر قدرتمندانه، صلابت نیروهای مسلح و آمادگی آنها بوده است. قدرت نظامی با هدف بازدارندگی رقبای دشمنان از اقدامات ناظر به توسل به زور مقبول جامعه جهانی و متقابلاً تهدید، اعمال تجاوز و بکارگیری نیروی مسلح بر خلاف اهداف صلح جویانه، نقض تمامیت سرزمینی یا استقلال، مذموم و مطرود است. به همین سبب در بند (۴) ماده (۲) منشور ملل متحد مقرر شده: اعضای سازمان ملل متحد در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی هر کشور، یا هر رفتاری که با اهداف ملل متحد مبادینت داشته باشد؛ خودداری خواهند نمود. (UN Chart, 1945: Article 2)^۱

از این رو کشورهای مختلف در سنوات متمادی، علاوه بر تشکیل و سازماندهی نیروی نظامی ملی، تقویت و آمادگی رزمی، بکارگیری تجهیزات نوین و قدرتمند؛ با انعقاد پیمان‌های جمعی منطقه‌ای، چندجانبه یا دوجانبه به منظور افزایش توان دفاعی و هم‌افزایی فراگیر تسلیحاتی، در صدد حفظ و حراست از امنیت و استقلال مشترک و گروهی خویش برآمده‌اند. همکاری نیروهای مسلح کشورها با یکدیگر در شرایط بحران و فوریت‌های نظامی که تهدید یا توسل نامشروع به زور در جریان باشد؛ در صورتی که با مقاصد دفع خطر و رفع تهدید قرین گردد؛ ممنوعیت قانونی نخواهد داشت. به همین دلیل در اجرای حق دفاع از خود ماده (۵۱) منشور ملل متحد مقرر نموده: در صورت وقوع حمله مسلحانه



1. UN Chart: Article 2 4- All Members shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any state, or in any other manner inconsistent with the Purposes of the United Nations.



علیه یکی از اعضای ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدام‌های لازم را معمول دارد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی کشورها برای دفاع از خود، خواه به‌طور فردی و خواه دسته جمعی، خللی وارد نخواهد ساخت.^۳ (UN Chart, 1945: Article 51).

پیش شرط تجویز حق دفاع کشورها به منظور تأمین صلح و امنیت و دفع هرگونه تهدید یا توسل به زور فوری، پذیرش توان تسلیحاتی در لوای ایجاد و استقرار آمادگی دفاعی به کمک نیروهای نظامی است. نیرویی که نه تنها ناقض صلح و امنیت نخواهد بود؛ بلکه در رفع تهدید یا توسل به زور به صورت مشترک (دسته جمعی) یا انفرادی اقدامات مسلحانه انجام خواهد داد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای جامعه جهانی در اعمال و اجرای تمهیدات حق دفاع از خود یا هم پیمانان^۴ و حفظ صلح و امنیت، اقدام به تشکیل نیروی نظامی، تجهیز، تولید ادوات، خرید تسلیحات، آموزش، حفظ آمادگی و همکاری با نیروهای نظامی سایر کشورها متناسب با سطح تهدیدات نموده است. به موجب قانون اساسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در قالب ارتش^۵ و سپاه برای تأمین امنیت، سازماندهی شده‌اند و از نیروهای انتظامی به مناسبت در برخی اصول نام برده شده است. علاوه بر آن که به موجب مقررات عادی منجمله قوانین استخدامی، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران شامل ارتش، سپاه و نیروی انتظامی می‌باشند.^۶

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

1. UN Chart: Article 51: Nothing in the present Charter shall impair the inherent right of individual or collective self-defence if an armed attack occurs against a Member of the United Nations, until the Security Council has taken measures necessary to maintain international peace and security.

۲. بند ح ماده (۶) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران در بیان اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح مقرر داشته:

- تدافعی بودن: نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تمامی توان خود دشمن را از تعرض بازداشته و در برابر هرگونه تجاوز دفاع نموده و متجاوز را تنبیه و سرکوب می‌نمایند و در عین اعتقاد به اصل عدم تعرض، ملل مسلمان یا مستضعف غیر معارض با اسلام را برای دفاع از خودیاری می‌کنند.

۳. اصل (۱۴۳) قانون اساسی مقرر می‌دارد: ارتش جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد.

۴. به موجب ماده (۲) قانون استخدامی سپاه، نیروهای مسلح عبارتند از سپاه، ارتش و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.





سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سازمانی نظامی است که در نخستین روزهای پس از انقلاب به فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی استقرار یافت. دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ نتیجه تفاهم نمایندگان چند گروه مسلح انقلابی به تدوین اساسنامه تشکیلاتی به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منجر و به امضای بنیانگذار انقلاب رسید. این فرمان رسمی به شورای انقلاب اسلامی ابلاغ و این نهاد، تأسیس شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تصویب کرد و نهایتاً با رأی مجلس خبرگان قانون اساسی سپاه نهادی نظامی و بازوی مسلح برای پاسداری از جمهوری اسلامی ایران در پیش نویس قانون مزبور درج گردید (https://article.tebyan.net, rezaei: 1376). اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.

در اجرای اصول قانون اساسی، اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. فصل اول قانون با عنوان هدف چنین مقرر می‌دارد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد. در ماده (۲) قانون مزبور، مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی، و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشند را به عنوان مأموریت این نهاد معین می‌کند. فردی که برای جهاد همه جانبه در راه خدا و نگهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن به عنوان وظیفه شرعی با داشتن شرایط قانونی به عضویت سپاه پاسداران درآمده باشد به موجب ماده (۳۴) اساسنامه پاسدار نامیده می‌شود. مضاف بر آن که مطابق ماده (۸) قانون





استخدامی سپاه پاسداران: پاسداران رسمی پرسنلی هستند که برای جهاد در راه خدا و پاسداری و دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نظام جمهوری اسلامی ایران به استخدام سپاه در آمده و پس از طی دوره‌های آموزشی لازم به یکی از درجات پیش بینی شده در این قانون نائل و از لباس و علائم نظامی استفاده می‌نمایند.

به منظور تعیین ساختار جامع و تشکیلات سازمانی سپاه پاسداران بر اساس ماده (۳) قانون استخدامی، به مجموعه‌ی ستاد کل، حوزه نمایندگی ولی فقیه، سازمان حفاظت اطلاعات، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی، مقاومت بسیج، قدس و سازمان‌های وابسته به آنها سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اطلاق می‌گردد. بر این اساس یکی از واحدهای سازمانی، تشکیلاتی و رسمی سپاه به موجب قانون، نیروی موسوم به قدس می‌باشد. فرماندهان و اعضای این نیرو در کنار سایر نیروهای مسلح به طور رسمی به عنوان قوای مسلح کشور جمهوری اسلامی ایران محسوب شده همان‌قوایی که در حفظ صلح و امنیت و به منظور دفع خطر تهدید و توسل به زور به موجب مقررات داخلی و بین‌المللی قادر هستند در قالب پیمان‌های جمعی یا به انفراد از طریق بکارگیری سلاح به مقابله بپردازند و متناسب با سطح تهدیدات ناقض صلح و امنیت، اقدام نمایند.

از جمله اقدامات نیروهای مسلح ایران با محوریت سپاه پاسداران از طریق نیروهای قدس و در اجرای ماده (۱۷) قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه^۱ (مصوب ۱۳۹۶) مشارکت در طرح امنیت جمعی و منطقه‌ای است که به درخواست دول عراق و سوریه به منظور دفع تهدید و خطر تروریسم ناشی از اقدامات ناقض صلح و امنیت داعش (دولت اسلامی عراق و شام) انجام شد. این گروه تروریستی در زمان کوتاهی، مناطق وسیعی را در کشورهای عراق و سوریه به تسلط خود درآورد. در طی پانزده سال از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ میلادی به ویژه از سال ۲۰۱۰، با ارتکاب انواع جنایات و روش‌های ضدبشری اعم از قتل عام شهروندان، خشونت جنسی، غارت

۱. ماده (۱۷) - وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با رعایت سلسله مراتب، موظفند به منظور رصد اقدامات تروریستی و ماجراجویانه آمریکا، با کشورهای مستقل و نیروهای مقاومت در منطقه در ریزنی و مشورت مداوم بوده و تبادل اطلاعات نمایند.





اموال، ایجاد رعب و وحشت، گروگانگیری، تخریب اماکن تاریخی، فرهنگی و مذهبی، استفاده به نحوی که این اقدامات ناقض صلح و امنیت، برای منطقه و جهان وحشت آفرید. فرمانده لایق و با کفایت ایرانی از اعضای رسمی سپاه پاسداران به نام سردار قاسم سلیمانی از جانب جمهوری اسلامی ایران با هدف پاسداری از امنیت مرزهای کشور، برقرای صلح، امنیت و دفع تهدید و خطر اقدامات تروریستی وحشتناک و بی سابقه داعش از منطقه غرب آسیا بویژه از اماکن مقدس دینی، حرم اهل بیت (ع) و پیشگیری از گسترش خطرات ناشی از اقدامات تروریستی داعش در سایر مناطق جهان به همراه نیروهای مستشاری مأموریت یافت تا در اقدامات دفاع جمعی به کمک دولت عراق و دولت سوریه مشارکت نماید. وی موفق شد با بکارگیری تدابیر نظامی هوشمندانه و به کمک نیروهای مردمی و داوطلب از کشورهای اسلامی عمدتاً عراق، سوریه، لبنان، افغانستان و ایران به مقابله با گسترش و نفوذ این گروه تروریستی خاتمه دهد و به طور رسمی در سال ۲۰۱۷ شکست و پایان داعش را اعلام کند (خبرگزاری رسمی ایران، ۱۳۹۶/۰۸/۳۰).

۱. نقض تعهدات حقوقی در ترور فرمانده عملیات ضد داعش

در نخستین ساعات بامداد جمعه سیزدهم دی ۱۳۹۸ با حمله پهباد آمریکایی به اطراف فرودگاه بغداد، شهید سلیمانی فرمانده ایرانی عملیات ضد داعش، ترور شد (خبرگزاری رسمی ایران، ۱۳۹۸/۱۰/۱۲). در این حمله ابومهدی المهندس از فرماندهان گروه شبه نظامی عراقی حشد الشعبی به همراه ۱۰ تن دیگر به شهادت رسیدند. بیانیه صادره از وزارت دفاع ایالات متحده تصریح دارد که دستور این حمله هوایی را رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح این کشور (دونالد ترامپ) صادر کرده است (www.defense.gov/Newsroom/Article/2049534, 2jan: 2002).^۱ یورش نظامی به سرنشینان غیر مسلح خودرو غیرنظامی در منطقه شهری بغداد که به دعوت رسمی مقامات



1. Statement by the Department of Defense, Jan. 2, 2020: At the direction of the President, the U.S. military has taken decisive defensive action to protect U.S. personnel abroad by killing Qasem Soleimani, the head of the Islamic Revolutionary Guard Corps-Quds Force,



دولت مستقر و میزبان، به صورت قانونی و خارج از شرایط جنگی، با هواپیمای مسافربری به این کشور وارد شده بودند، موجب گشت تا مجامع حقوق بشری در تقبیح و غیر قابل قبول دانستن چنین اقدام خطرناکی اظهار نظر نمایند. از آنجا که سلب حیات یا کشتار فراقانونی نقض موازین و هنجارهای پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل نظیر حق بر حیات و حق بر دادرسی عادلانه، تلقی می‌شود. بنابراین فرمان ترور، آشکارا هنجارهای حقوق بین‌الملل مربوط به عملیات نظامی نسبت به اهداف انسانی را نقض کرده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد (در امور اعدام‌های خارج از فرآیند قضایی)، بانو «اگنس کالامارد»^۱ اعلام کرد که ترور شهید سلیمانی توسط ارتش آمریکا، نقض هنجارهای بین‌المللی در مورد عملیات نظامی فرامرزی است. ترور هدفمند سردار سلیمانی توسط ارتش آمریکا به طور کامل استانداردهای مربوط به استفاده از زور توسط دولت‌ها را نادیده گرفته است. اقدام واشنگتن، بدعت خطرناکی را به جای گذاشته که دست‌مایه بروز فجایع بیشتر خواهد بود (www.salon.com/un: 2020/01/08).^۲ بر اساس منشور سازمان ملل متحد، باید نهایت تلاش برای جلوگیری از درگیری نظامی صورت گیرد و استفاده از زور به سناریوهای اندکی محدود شود. ترور سردار سلیمانی به عنوان فرمانده قانونی یک کشور با ترور فرمانده گروهک‌های تروریستی مانند القاعده و داعش متفاوت است. اینکه ایالات متحده به بهانه حذف وی، او را تروریست خواند، مبنای قانونی ندارد. ترور یک‌جانبه سردار سلیمانی راه را برای ترور وزرای دفاع و فرماندهان نظامی توسط سایر دولت‌ها باز کرده است. (khabaronline.ir/news: 1354285). هدف قرار دادن قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به احتمال قریب به یقین غیرقانونی و ناقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر است: استفاده از پهباد یا دیگر اقدامات به منظور کشتن افراد فراتر از زمینه خصومت و تقابل فعال، هرگز قانونی نیست (fa.alalamtv.net/news: 4653681, Suleimani's

assassination violates ...: January 13rd)

1. Agnès Callamard: is a French Human Rights expert and Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions at the Office of the United Nations
2. https://www.salon.com/un rapporteur on extrajudicial executions wants official probe of Soleimani killing 2020/01/08/





منشور سازمان ملل متحد همه کشورهای عضو را ملزم ساخته که اختلافات خود را با استفاده از دیپلماسی و مسالمت آمیز حل و فصل نمایند. یک کشور جز در دفاع از خود یا با تأیید شورای امنیت سازمان ملل، نمی تواند از نیروی نظامی علیه کشوری دیگر استفاده کند. از آنجا که ایران حمله مسلحانه ای علیه ایالات متحده ترتیب نداده بود، ایالات متحده نمی تواند ادعا کند [شهید] قاسم سلیمانی را در دفاع از خود کشته است. شورای امنیت سازمان ملل هم اجازه آن را صادر نکرده بود. علاوه بر این، به موجب پرونده کارولین (Charles Pierson, 2004: 33)،^۱ در بند (۳۳) قید شده دفاع از خود مشروط به این است که عملیات «فوری و فراگیر باشد؛ به نحوی که گریزی (جز حمله نظامی) و مجالی برای تأمل در پاسخ، وجود نداشته باشد.» از آنجا که هیچ شواهدی وجود نداشت که نشان دهد ایران در تدارک حمله ای قریب الوقوع به ایالات متحده یا نظامیان آمریکایی است، ترور ژنرال سلیمانی الزامات پرونده کارولین را محقق نساخت. بنابراین به موجب قوانین بین المللی غیرقانونی بود (Marjorie Cohn, 2020: 6). هر مفسر حقوقی آگاه است که تصمیم فاجعه آمیز دونالد ترامپ مبنی بر دستور ترور غیرقانونی ژنرال ایرانی [سلیمانی] و ترور فرمانده ارشد نظامی عراق، ابومهدی المهندس، علاوه بر آن که جنایت تجاوز [نسبت به جمهوری عراق] است؛ ناقض منشور سازمان ملل و همچنین نقض قطعنامه اختیارات جنگی در ایالات متحده (uscode.house.gov, 08/03/2020, chap 33: para c)^۲ و ناقض پیمان امنیتی ۲۰۰۸ میان عراق و آمریکاست.

۱. پرونده کارولین اشاره به نظریه دانیل وبستر در ارزیابی حمله انگلستان به کشتی کارولین حامل استقلال طلبان کانادایی در قرن نوزدهم به عنوان دفاع پیشگیرانه دارد. به موجب معیار وضع شده در نظریه و بستر ضرورت و تناسب از اصول مهم در دفاع پیشگیرانه اعلام گردید.

Charles Pierson (2004). "Preemptive Self-Defense in an Age of Weapons of Mass Destruction: Operation Iraqi Freedom". Denver Journal of International Law and Policy. University of Denver. 33 (1).

2. Chapter 33: War Powers Resolution (c) Presidential executive power as Commander-in-Chief; limitation: The constitutional powers of the President as Commander-in-Chief to introduce United States Armed Forces into hostilities, or into situations where imminent involvement in hostilities is clearly indicated by the circumstances, are exercised only pursuant to (1) a declaration of war, (2) specific statutory authorization, or (3) a national emergency created by attack upon the United States, its territories or possessions, or its armed forces.





دستور و اقدام تروریستی دولت آمریکا نقض آشکار بند (۱) قطعنامه ضد تروریستی ۱۲۶۹ مصوب ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹، (S/RES/1269:1999) شورای امنیت است که مقرر داشته: همه اقدامات، روش‌ها و رویه‌های تروریسم را بدون توجه به انگیزه آنها، در کلیه مظاهر و اشکال آنها، در هر کجا و توسط هر کس که انجام شده باشد و خصوصاً آن‌هایی که ناقض صلح و امنیت بین‌المللی باشند، قاطعانه محکوم می‌کند.^۳ قسمت اخیر بند یک قطعنامه‌ی شورای امنیت به شماره ۱۳۶۸ مصوب ۲۰۰۱، (S/RES/ 1368: 2001) که بر محکومیت اقدامات تروریستی ناقض صلح و امنیت بین‌المللی تأکید دارد (S/RES/ 1373: 2001) ^۴ بر تروریستی بودن این اقدام که استمرار دومی‌نوی آن دور از انتظار نیست؛ تعمیم می‌یابد. امر به این اقدام تروریستی با مفاد قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد^۵ در تناقض است. به ویژه آن که بند (۵) این قطعنامه تصریح دارد: اقدامات، روش‌ها و شیوه‌های تروریسم خلاف اهداف و اصول سازمان ملل است و تأمین آگاهانه مالی، برنامه‌ریزی و تحریک اقدامات تروریستی نیز با اهداف و اصول سازمان ملل مغایرت دارد.^۶ نقض قطعنامه‌های مزبور به منزله تهدید جدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است.

علاوه بر اسناد بین‌المللی، اقدام به ترور فرمانده ارشد ضد داعش، ناقض پیمان امنیتی عراق و آمریکاست. در بند سوم ماده (۲۷) موافقت‌نامه امنیتی سال ۲۰۰۸ که میان آمریکا و عراق امضاء گردید، تصریح شده که قلمرو زمینی، هوایی و دریایی عراق نباید برای

1. Unequivocally condemns all acts, methods and practices of terrorism as criminal and unjustifiable, regardless of their motivation, in all their forms and manifestations, wherever and by whomever committed, in particular those which could threaten international peace and security
2. ... and regards such acts, like any act of international terrorism, as a threat to international peace and security
3. United Nations S/RES/, 1373, Adopted by the Security Council at its 4385th meeting, on 28 September 2001
4. Declares that acts, methods, and practices of terrorism are contrary to the purposes and principles of the United Nations and that knowingly financing, planning and inciting terrorist acts are also contrary to the purposes and principles of the United Nations;





حمله به سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرد.^{۱۷} حمله با تسلیحات جنگی و ابزار نوین نظامی به نماینده رسمی و میهمان دولت عراق در خاک آن کشور، به مثابه حمله به کشور ثالث است که در توافقنامه امنیتی منع شده است و در نتیجه نقض مفاد این پیمان محسوب می‌شود.

با توجه به این که حادثه منتهی به شهادت فرمانده سپاه قدس و همراهان وی که اتباع جمهوری اسلامی ایران بودند؛ از مصادیق تروریسم شمرده می‌شود، زیرا عموماً در تعریف تروریسم (Friedrichs Jörg, 2006: 75) باید این سه شرط مهم لحاظ شود. شروطی که شعبه تجدید نظر دیوان ویژه لبنان در استعلام شعبه بدوی از تعریف تروریسم بیان کرده است. نخست این که ارتکاب یک عمل کیفری نظیر قتل، آدم ربایی، گروگان گیری و ... یا تهدید به چنین رفتاری وجود داشته باشد. دوم قصد انتشار ترس در جامعه یا قصد وادار کردن مرجع ملی یا بین‌المللی برای بازداشتن از اقدام یا انجام به آن باشد و سوم رفتار مورد نظر واجد عنصر برون مرزی باشد (Scharf Michael, 2011: 2). شروط سه گانه مورد نظر، در حادثه تروریستی دستکم در رفتار مادی آن به وضوح قابل درک است.

به این ترتیب رفتار تروریستی مزبور از منظر مقررات بین‌المللی از جمله معاهدات بین‌المللی ناظر بر تروریسم، مجرمانه می‌باشند (S/RES/ 72-123: 2017) ^{۱۸} بنابراین موضوع عمل مجرمانه قابل تعقیب و پیگیری کیفری از جانب دولت ایران است. انتساب رفتار مجرمانه مزبور به شرح مندرج در بیانیه وزارت دفاع ایالات متحده متوجه دولت آمریکا و مشخصاً رئیس‌جمهور این کشور است که صراحتاً صدور دستور انجام عملیات تروریستی را پذیرفته و تأکیده کرده فرمان مزبور به وسیله مأموران نظامی این کشور اجرا شده است. برای تحقیق از متهمان و تعقیب کیفری پرونده اتهامی علاوه بر لزوم مرجع صلاحیتدار قضایی، رفع موانع تعقیب کیفری نیز ضرورت دارد.



1. Iraqi land, sea, and air shall not be used as a launching or transit point for attacks against other countries.
2. Measures to eliminate international terrorism, Resolution adopted by the General Assembly on 7 December 2017: on the report of the Sixth Committee (A/72/467)], 72/123.1 Strongly condemns all acts, methods and practices of terrorism in all its forms and manifestations as criminal and unjustifiable, wherever and by whomsoever committed;



از مهمترین موانع تعقیب کیفری در جامعه بین‌المللی مصونیت سران دولت‌ها با استناد به اصل عدم مداخله در امور داخلی و فرض تساوی آنهاست. با این حال در فرض مورد بحث این مانع چندان مهم و اساسی نخواهد بود. زیرا اصل مصونیت سران به تدریج در جامعه بین‌المللی متحول شده به نحوی که از اطلاق مفهوم مصونیت تا حدود زیادی کاسته شده و به تدریج عرف و رویه بین‌المللی در این زمینه متأثر از برخی اسناد لازم الاجرا نظیر سند مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی به رویکرد نسبیت یا فقدان مصونیت گرایش دارند. در فرض مصونیت نسبی، سران یا مقامات سیاسی به محض اتمام دوره مسئولیت، مورد تعقیب کیفری قرار خواهند گرفت. در ماده (۲۷) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده که مصونیت مفروض سران چه بر اساس مقررات داخلی یا بین‌المللی در دیوان قابل استناد نیست. برخی رویه‌های بین‌المللی نیز مؤید همین تغییر رویکرد است. نظیر صدور قرار جلب رئیس جمهور وقت سودان، قرار جلب رئیس جمهور صربستان، قرار جلب رئیس جمهور لیبیا. گرچه در برخی موارد نظیر قرار جلب وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک کنگو توسط دادگاه بلژیک با رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و به استناد مصونیت اظهار نظر شده است. (ICJ Judgment, 14 February: 2002) در برخی پرونده‌ها نیز که توسط دادگاه‌های ملی قرار جلب مقامات سیاسی سابق کشورها صادر شده به دلیل اشتباهات و تخلفات فاحش قضایی (اخذ رشوه) که ناقض اصل دادرسی منصفانه و عادلانه است، در مراجع ذیربط بین‌المللی ملغی اعلام شده‌اند. (www.interpol.int)^۹ به هر حال در فرض مورد بحث مصونیت نسبی با پایان یافتن دوره تصدی مسئولیت و با توجه به نقض مقررات داخلی مربوط به اختیارات جنگی، مرتفع و مانعی برای تعقیب کیفری نخواهد بود. زیرا هر فرد صرف نظر از مقام و موقعیت رسمی یا اداری باید به لحاظ اخلاقی و حقوقی مسئول رفتار خویش و پاسخ گوی آن باشد چرا که در حقوق کیفری ملاک وضعیت

1. <https://www.interpol.int>, Argentinean Red Notices for Iranian officials cancelled, 27 September 2005. Lyon, France—& nbsp; Delegates at the 74th Interpol General Assembly have upheld the unanimous decision by Interpol's Executive Committee to cancel Red Notices issued by an Argentinean judge accused of corruption.



شخص متهم نیست بلکه جرایم ارتكابی اوست. با فرض رفع مانع پرسش اساسی آن است که کدام مرجع قضایی ملی یا بین‌المللی برای رسیدگی صالح خواهند بود؟

۲. راهبردهای قضایی ملی

صلاحیت مراجع قضایی ملی به ویژه مراجع کیفری درون سرزمینی است. یعنی اصل بر آن است که مرجع قضایی کیفری هر کشور منحصراً صلاحیت ورود و بررسی به اتهاماتی دارد که محل وقوع آنها، سرزمین همان دولت باشد. منظور از سرزمین یا قلمرو حاکمیت هر دولت، تمام فضاهایی شامل خشکی، آب‌های ساحلی، دریای سرزمینی، فضای بالای آنها، کشتی‌ها و هواپیماهای ثبت شده است که دولت در آنها اعمال حاکمیت می‌کند؛ با این حال در موارد خاص و با هدف ممانعت از بی‌کیفر مانی بزه‌کاران دامنه صلاحیت مراجع قضایی به فراتر از قلمرو سرزمینی توسعه می‌یابد. از جمله این موارد استثنایی توسعه صلاحیت مراجع قضایی نسبت به رسیدگی جرایمی است که نسبت به اتباع کشور خارج از قلمرو سرزمینی ارتکاب یابد. این نوع از صلاحیت به اصل صلاحیت شخصی بر اساس تابعیت بزه‌دیده یا اصل صلاحیت شخصی منفعل معروف است. قسم دیگری از توسعه صلاحیت به مواردی مربوط می‌شود که به دلیل اهمیت جرم و خطرات فزاینده‌ای که از آنها ناشی می‌شود ممکن است امنیت داخلی، خارجی، اعتبار مقامات ارشد سیاسی، قضایی یا انتظام اقتصادی را با مخاطرات گسترده و جدی مواجه سازد. این نوع از توسعه صلاحیت به اصل صلاحیت واقعی یا حمایتی شناخته می‌شود.

ماده (۴) قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه ذیل بخش چهارم با عنوان حمایت آمریکا از تروریسم مقرر می‌دارد: اشخاص ذیل مشمول مجازات‌های مندرج در بخش ششم این قانون قرار می‌گیرند. از جمله اشخاص مورد نظر و معرفی شده در بند (۳) همین ماده عبارتند: اشخاص آمریکایی که در سازماندهی، تأمین مالی، راهبری یا ارتکاب اقدامات تروریستی علیه منافع دولت یا شهروندان جمهوری اسلامی ایران مشارکت مؤثر دارند. علاوه بر آن که در تبصره (۲) ماده (۴) قانون مزبور مقرر شده: به منظور مبارزه با تروریسم و در راستای اجرای حکم مقرر در





مواد (۸) و (۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، قوه قضائیه موظف است شعبه یا شعبی از دادسراها و دادگاه‌های کیفری صالح را برای رسیدگی به جرائم تروریستی موضوع بندهای ماده (۱) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ که توسط افراد و سازمان‌های تروریستی مورد حمایت آشکار و پنهان آمریکا یا دیگر کشورهای متخاصم علیه ایران مرتکب شوند، اختصاص دهد. هرگونه همکاری با دولت و نیروی نظامی و اطلاعاتی آمریکا در جرائم تروریستی، مستوجب محکومیت به مجازات مقرر در ماده (۵۰۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ (کتاب پنجم - تعزیرات) می‌باشد.

بند الف ماده (۱) قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مقرر داشته: ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی؛ اعمال تروریستی است. اما تشخیص تروریستی بودن اعمال مندرج در بندهای ماده (۱) موکول به نظر شورای عالی امنیت ملی است که در حادثه شهادت فرمانده سپاه قدس و همراهان ایشان در بیانیه شورای عالی امنیت ملی با این مضمون که «بدون شک این جنایت، انتقام داعش و تروریست‌های تکفیری از فرماندهان بزرگ مبارزه با تروریسم بود که به دست آمریکا علیه نمادهای افتخارآمیز اضمحلال تروریسم در عراق و سوریه صورت گرفت (www.asriran.com/fa/)» عمل مزبور تروریستی اعلام شده است. با این وصف شعب مراجع قضایی ویژه در اجرای مواد قانون مجازات اسلامی از جمله مواد (۵)، (۸) و (۹)



۱. ماده (۵۰۸) قانون مجازات اسلامی: هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.



مجاز خواهند بود تا در تعقیب آمران و مسئولان حادثه تروریستی شهادت سردار سلیمانی و همراهان وی اعمال صلاحیت نمایند.

۲-۱. صلاحیت شخصی بر اساس تابعیت بزه‌دیده

اعمال مقررات قانونی، قضایی و اجرایی یک کشور، با هدف حمایت از اتباع خود برای رسیدگی به جرایمی که علیه آنها در خارج از قلمرو سرزمینی آن کشور ارتکاب می‌یابد مفهوم اصل صلاحیت شخصی منفعل یا همان اصل شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده است. مبنا و ضرورت اصل صلاحیت شخصی به مفهوم گفته شده، علی‌الاصول حمایت از اتباع کشور در خارج از قلمرو سرزمینی است. جنبه منفی این اصل برای حمایت از اتباع یک کشور به شرط عدم اجرای قبلی اصل سرزمینی وارد عمل می‌شود؛ البته اصل مزبور غالباً در خصوص همه جرایم مورد پذیرش قرار نگرفته ولی به طور بسیار وسیعی در مورد جرایم تروریستی یا تهاجمات سازمان یافته علیه اتباع یک کشور یا ترور نمایندگان سیاسی و دیپلمات یک کشور اجرا می‌شود.

ماده (۸) قانون مجازات اسلامی: هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه: الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد. ب- رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد. شروط قید شده در بندهای الف و ب ناظر بر جرایم تعزیری است. در خصوص سایر جرایم مضمون ماده اطلاق دارد و به نظر می‌رسد به کلیه جرایم تعمیم می‌یابد. تا آنجا که امکان تعقیب جرایم ارتكابی علیه اشخاص و ارتكاب جرایم علیه کشور از اصل صلاحیت واقعی مندرج در ماده (۵) قانون مجازات اسلامی عام‌تر می‌باشد. بنابر این در صورتی که تبعه بیگانه خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی مرتکب یکی از جرایم غیر تعزیری یعنی جرایم مستوجب حد، قصاص یا دیه شود؛ رسیدگی به این اتهامات بر اساس اصل صلاحیت شخصی مطابق مقررات ایران از اختیارات





مراجع قضایی بوده و صرف نظر از بررسی مجرمیت متقابل رفتار اتهامی مشمول قوانین کیفری ایران خواهد بود. (حجتی، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

با توجه به این که حمله مسلحانه به تبعه ایرانی در خارج از قلمرو سرزمینی که منجر به شهادت (قتل عمد) وی شده است؛ مطابق مقررات قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه مصوب ۱۳۹۶ اقدام تروریستی و این که قتل عمد مطابق قانون مجازات اسلامی جنایت به حساب می‌آید. بنابر این مرتکب این جنایت (جانی) به عنوان متهم به اقدام تروریستی منجر به قتل عمد، قابل تعقیب و مستوجب مجازات است. در این جنایت که با دستور یا فرمان (امر) صورت گرفته، آمر و مأمور مستوجب مجازات خواهند بود. علاوه بر آن که بند (۲) ماده (۱۵) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشعار می‌دارد هیچ چیز در این ماده مانع از رسیدگی یا مجازات اشخاصی نمی‌شود که اقدامشان در زمان ارتکاب از نظر اصول کلی حقوقی شناخته شده از سوی جامعه بین‌المللی جرم محسوب می‌شود.

مسأله دیگری که جهت اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده به شرح مقرر در ماده (۸) قانون مجازات اسلامی قابل توجه است، محاکمه حضوری است. توضیح این که شرط اجرای ماده (۸) قانون مزبور و اعمال صلاحیت دادگاه‌ها، یافت شدن متهم است. بنابراین تا متهم در ایران یافت نشود، محاکمه وی ممکن نیست. اما در این ماده علاوه بر عبارت یافت شدن، تعبیر «یا به ایران اعاده گردد» نیز قید شده است. عبارت اعاده گردیدن مفهوم این معنی است که تشکیل پرونده اتهامی و درخواست و پیگیری استرداد متهم مانع قانونی ندارد. بنابر این در اتهام آمران به ترور شهید سلیمانی گرچه محاکمه غیابی آنها قانوناً فراهم نیست؛ اما طرح پرونده و اقامه شکوائیه به منظور فراهم ساختن زمینه استرداد متهم یا متهمان به منظور اجرایی شدن تعقیب، محاکمه و مجازات آنها قانوناً مجاز است.

شرط دیگر اجرای صلاحیت شخصی اصل پذیرفته شده حقوق کیفری، ممنوعیت محاکمه و مجازات دوگانه است. این ممنوعیت سبب می‌شود که متهم بیشتر از یک بار برای هر عمل مجرمانه مورد تعقیب قرار نگیرد و محاکمه یا مجازات نشود بنابراین اگر متهم در محل ارتکاب جرم محاکمه و مجازات شده تعقیب مجدد وی در دادگاه‌های ایران





فاقد شرایط مقرر در قانون است. بند الف ماده (۸) قانون مجازات اسلامی شرط مزبور را برای جرایم تعزیری مقرر داشته و صرفاً در جرایم تعزیری تجویز کرده است، هر چند برخی اقسام تروریسم از شروط حد محاربه برخوردارند ولی چنانچه شرایط قانونی محاربه نداشته باشد به عنوان جرم تعزیری قابل تعقیب هستند. تبصره (۲) ماده واحده قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا مصوب ۱۳۶۸ مقرر می‌دارد: اتباع و عوامل آمریکا و کشورهای که با آمریکا در آدم‌ربایی و توطئه علیه جان اتباع ایرانی و منافع جمهوری اسلامی ایران همکاری نمایند در دادگاه‌های داخل کشور بر مبنای قضای اسلامی محاکمه خواهند شد. مطابق احکام قضای اسلامی اقدام تروریستی علیه فرمانده سپاه قدس اگر از مصادیق حد محاربه محسوب شود؛ از شروط ماده (۸) خارج و در غیر اینصورت مشمول منع محاکمه و مجازات دوگانه خواهد بود. هر چند هیچ‌گونه تعقیب، محاکمه یا مجازاتی نسبت به متهمان آمر به قتل و ترور این شهدا در هیچ مرجع قضایی ملی یا بین‌المللی صورت نگرفته تا بتواند مانع از تعقیب مجدد یا محاکمه دوباره آنها شود.

شدت و اهمیت جرم ارتكابی شرط مهمی در اعمال صلاحیت به اعتبار تابعیت بزه‌دیده است. به این معنی که در مورد جرایم کم اهمیت اعمال چنین صلاحیتی پذیرفته نشده است. زیرا تعقیب و پیگیری جرایم ارتكابی علیه تبعه خارج از قلمرو سرزمینی هزینه بر و وقت گیر است بنابر این لازم است تا هزینه و وقت صرف مهمترین جرایم شود؛ هر چند اگر اقتضاء می‌کرد که تمام جرایم پیگیری و تعقیب شود مطلوب است ولی حال که رسیدگی به تمام جرایم منطقاً ممکن نیست گزینش مهمترین آنها انتخابی عقلانی است. با این وصف ملاک و معیار اهمیت جرم در کشورهای مختلف چندان مبهم نیست. شدت مجازات هر عمل مجرمانه یا آثار وخیم زیانبار جرایم می‌تواند مبنای تعیین اهمیت جرم قرار گیرد. درجه و نوع جرم ارتكابی هم می‌تواند معیار گزینش اهمیت باشد. مثلاً در حقوق فرانسه ملاک شدت جرم بر اساس نوع جرم ارتكابی و نوع مجازات تعیین شده است. ماده (۱۱۳-۷) قانون مجازات فرانسه جرایمی از نوع جنحه با مجازات حبس و هر جرمی از نوع





جنایت در اجرای اصل صلاحیت شخصی مورد بحث به عنوان جرایم مهم و قابل تعقیب در این کشور معرفی شده است. (France Penal Code: Article 113-7)^{۲۱}

این شرط در ماده (۸) قانون مجازات اسلامی پذیرفته نشده است، بنابراین تمامی جرایم ارتکاب یافته در خارج از ایران علیه اتباع ایرانی مشمول اصل صلاحیت مبتنی بر برابر ماده (۸) قانون مجازات اسلامی کلیه جرایم اعم از تعزیری و غیر تعزیری در شمول دایره اعمال اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه دیده قرار دارند. جرم ترور و قتل شهید سلیمانی و همراهان وی با هر عنوان مجرمانه‌ای که تعبیر شود در دایره شمول ماده ۸ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد و بالتبع قابل تعقیب خواهد بود. از اینرو افرادی که مسئول ارتکاب این جنایت می‌باشند در محاکم کیفری جمهوری اسلامی از این حیث تعقیب پذیر هستند.

۲-۲. صلاحیت واقعی

تاریخ حقوق کیفری بیانگر آن است که همواره دولت‌های مختلف نسبت به جرائمی که منافع مهم و اساسی آنها را به خطر می‌انداخت، گرچه جرائم مزبور خارج از قلمرو سرزمینی تحت حاکمیت آنها و به وسیله اتباع بیگانه ارتکاب می‌یافت، واکنش نشان می‌دادند (Cedric, 2015: 97) تأمین امنیت و حفاظت از منافع حیاتی هر کشور سبب شده تا دولت‌ها قلمرو صلاحیت قضایی خود را به فراتر از مرزهای سرزمینی توسعه دهند. منظور از اصل صلاحیت واقعی، توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به جرایمی که خارج از قلمرو آن کشور واقع شده و به منافع اساسی و حیاتی آن کشور صدمه وارد می‌کند، (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۱۲۱) در این اصل، تنها معیار و مبنای ایجاد صلاحیت، ماهیت و شدت جرم ارتكابی است که علیه منافع اساسی و حیاتی کشور اعمال کننده صلاحیت رخ داده است (پوربافرانی، ۱۳۹۰: ۷۶). در خصوص این شرط باید بیان داشت که چون اصل صلاحیت واقعی استثنایی بر اصل صلاحیت سرزمینی است و ممکن است که شائبه دخالت در حاکمیت سایر کشورها نیز به وجود آید، بنابراین باید ارتکاب جرایم مشخص و



1. France Penal Code Article 113-7: French Criminal law is applicable to any felony, as well as to any misdemeanor punished by imprisonment, committed by a French or foreign national outside the territory of the French Republic, where the victim is a French national at the time the offence took place.



معین از جرایم مهمی که علیه منافع عالیه کشور هستند؛ مشمول این اصل قرار گیرند. (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۰).

معیار شدت و اهمیت جرم مورد اتفاق نظر کشورهای مختلف است اما آنچه سبب اختلاف و عدم وفاق دولت‌ها در پذیرش اصل صلاحیت واقعی شده تعیین مصادیق این جرایم می‌باشد. عمده مصادیق واجد صلاحیت واقعی جرایمی هستند که در زمره آسایش عمومی شهروندان قرار دارند و امنیت دولت را هدف می‌گیرند. آماج نهایی جرایم مزبور از این حیث در همین دو گروه قرار دارند. با این حال تلاش کشورها در تعیین مصداق به نحوی است که با درج عبارات کلی و مفاهیم تفسیرپذیر بیشترین جرایمی که حیات سیاسی، امنیت داخلی و خارجی، منافع اقتصادی یا اعتبار مقامات عالی مرتبه را با مخاطرات جدی مواجه سازد؛ دربر گیرند. مطابق این اصل، منافع «خداشه دارشده» صلاحیت دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به جرم، بر اساس آن کشور تعیین می‌گردد و از آنجا که معمولاً دولت‌ها نسبت به جرایمی که علیه منافع دولت دیگری باشد، واکنش چندان شدیدی نشان نمی‌دهند، کشورها می‌کوشند تا با تصویب این اصل از منافع اساسی خویش و نه دیگری، حمایت و حفاظت نمایند. به همین سبب به اصل مزبور، اصل حمایتی یا حفاظتی نیز می‌گویند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۶)

نظر به اهمیت فزاینده و خطرات شدیدی که از ارتکاب جرایم موضوع اصل صلاحیت جهانی ناشی می‌شود؛ مقنن در وضع قوانین به منظور عملیاتی و اجرایی ساختن اصل مزبور در مقایسه با پذیرش سایر اصول صلاحیتی جایگزین صلاحیت سرزمینی، شرایط کمتری را مقرر داشته است. در اعمال صلاحیت واقعی شروط ناظر بر تقابل مجرمیت، دادرسی حضوری، شکایت شاکی، موانع تعقیب از قبیل عفو و گذشت، منع تعقیب دوگانه یا محاکمه مجدد، تابعیت بزهکار و قلمرو محل وقوع جرم نادیده گرفته می‌شوند. بلا شرط بودن اعمال اصل صلاحیت واقعی متأثر از اهمیت پاسداری از امنیت داخلی و خارجی دولت و مراقبت از آسایش اجتماعی-اقتصادی شهروندان هر جامعه است. سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسداشت آسایش عمومی اتباع و مراقبت از امنیت داخلی و





خارجی کشور با پذیرش اصل صلاحیت واقعی مقررات را به کیفیتی وضع و تصویب نموده که از بیشترین قابلیت و توان این اصل بهره گرفته شود.

ماده (۵) قانون مجازات اسلامی ضمن پذیرش اصل صلاحیت واقعی مقرر داشته: هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند: الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران.

از آنجا که ترور و تهاجم مسلحانه علیه مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران که به نمایندگی از کشور و در اجرای مقررات ملی و بین‌المللی، در حین مأموریت برای برقرار صلح و تثبیت امنیت و آرامش در منطقه با دعوت رسمی دولت جمهوری عراق به این کشور مسافرت کرده بود؛ اقدامی علیه امنیت ملی اعم از داخلی و خارجی محسوب می‌شود؛ در نتیجه از مصادیق جرایم فهرست شده در بند الف ماده (۵) قانون مجازات اسلامی محسوب می‌شود. با توجه به مجرمانه بودن اقدام مزبور امکان تعقیب آمران و عاملان این حادثه تروریستی از طریق اعمال اصل صلاحیت واقعی فراهم است.

علاوه بر قانون مجازات اسلامی، به موجب تبصره (۲) ماده واحده قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا که مقرر داشته: اتباع و عوامل آمریکا و کشورهایی که با آمریکا در آدم‌ربایی و توطئه علیه جان اتباع ایرانی و منافع جمهوری اسلامی ایران همکاری نمایند؛ در دادگاه‌های دخل کشور بر مبنای قضای اسلامی محاکمه خواهند شد. بنابر این با توجه به مستندات قانونی مورد اشاره تعقیب جنایت ارتكابی بر اساس اصل صلاحیت واقعی با مانع و رادعی مواجه نیست. استناد به تبصره مورد بحث با قید مندرج در ماده (۵) قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته جرایم مقرر در قوانین خاص، مشمول اصل صلاحیت واقعی است؛ همخوانی دارد.





در اجرای اصل صلاحیت واقعی هیچ گونه شرطی در قوانین به جز لحاظ شدن میزان محکومیت سابق احتمالی پیش بینی نشده است. اعمال اصل صلاحیت واقعی در خصوص تعقیب جرایم مهم احصاء شده فاقد لزوم رعایت دادرسی حضوری، منع محاکمه مجدد، لزوم مجرمیت متقابل بوده و از این حیث لا بشرط تلقی می گردد.

۳. راهبرد قضایی منطقه‌ای

اصل صلاحیت سرزمینی به این معنی است که محاکم کیفری کشور محل ارتکاب جرم برای رسیدگی به کلیه جرایم ارتكابی در محدوده‌ی سرزمینی یک دولت صرف نظر از تابعیت مرتکب یا بزه دیده مطابق مقررات ملی خود صالح می‌باشند. بر اساس این اصل شایستگی رسیدگی به جرایم ارتكابی در محدوده‌ی سرزمینی یک دولت معین تنها به مراجع قضایی همان دولت اعطا شده که قانون کیفری ملی را به اجرا می‌گذارد. بنابراین کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت یک دولت اعم از زمین، هوا یا دریا مرتکب جرم شوند بر اساس قوانین کیفری همان کشور در محاکم قضایی محل وقوع جرم تعقیب و مجازات می‌شوند. هر چند این اصل می‌تواند دارای استثنائاتی باشد که تکمیل کننده ابعاد ناقص آن خواهد بود.

انعکاس اصل صلاحیت سرزمینی در هر کشور از جمله کشور جمهوری عراق در مقررات جزایی نمود می‌یابد. بخش دوم قانون مجازات این کشور با عنوان قلمرو مکانی اجرای قوانین و ذیل صلاحیت سرزمینی در ماده (۶) چنین مقرر شده است:^۱ «مقررات این قانون در مورد جرائمی که در عراق ارتکاب یافته باشد قابل اجراست. یک جرم رخ داده در عراق فرض می‌شود چنانچه عمل مجرمانه در این سرزمین ارتکاب یابد. یا زمانی که نتیجه این عمل در عراق محقق شود یا آن که قصد شود که در آنجا محقق گردد. در تمام

۱. قانون العقوبات رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹ الاختصاص الاقليمي - مادة ۶: تسري أحكام هذا القانون على جميع الجرائم التي ترتكب في العراق وتعتبر الجريمة المرتكبة في العراق إذا وقع فيه فعل من الأفعال المكونة لها أو إذا تحققت فيه نيتها أو كان يراد أن تتحقق فيه؛ وفي جميع الأحوال يسري القانون على كل من ساهم في جريمة وقعت كلها أو بعضها في العراق ولو كانت مساهمته في الخارج سواء أكان فاعلاً أم شريكاً.





این موارد مقررات نسبت به کلیه اشخاص دخیل در آن جرم اعمال می‌شود. هر چند تمام یا قسمتی از جرم در عراق رخ دهد. حتی اگر یکی از طرفین در زمان ارتکاب جرم خارج از قلمرو سرزمینی باشد اعم از این که شخص مزبور مجرم اصلی باشد یا نباشد. (قانون العقوبات العراقيه، رقم ۱۱۱: لسنة ۱۹۶۹)

واقعه‌ی تروریستی منتهی به شهادت اتباع ایرانی از جمله فرمانده سپاه قدس در اطراف فرودگاه شهر بغداد پایتخت جمهوری عراق رخ داد که قلمرو سرزمینی این کشور است. در اجرای قواعد ناظر بر پذیرش اصل صلاحیت سرزمینی در کشور عراق بند (۶) از قانون مجازات ذیل قلمرو مکانی اعمال مقررات جزایی، به دلیل ارتکاب عمل تروریستی در محدوده سرزمینی این کشور، دولت عراق به عنوان قدرت حاکم بر قلمرو سرزمینی محل وقوع این جنایت به استناد اصل صلاحیت سرزمینی مجاز است تا نسبت به تعقیب کیفری متهم یا متهمان اقدام نماید. (NO (111), 1969: Penal Code Sub-Section Two) بنابر این جلب همکاری و رضایت دولت عراق در انجام اقدامات تعقیبی برای آمران این حادثه تروریستی با توسل به اصل صلاحیت سرزمینی از جمله راهکارهای اجتناب از کیفر گریزی مسئولان این اقدام تروریستی است. به ویژه آن که در این حادثه علاوه بر اتباع ایرانی، چند نفر از اتباع جمهوری عراق از جمله معاون نخست وزیر این کشور که به استقبال هیأت ایرانی رفته بودند؛ به شهادت می‌رسند و ترور می‌شوند.

۴. راهبرد قضایی فرامنطقه‌ای

فعال سازی ظرفیت‌های قضایی فرامنطقه‌ای از گزینه‌های ممکن برای تعقیب کیفری آمران و مسئولان واقعه تروریستی به منظور احقاق حق می‌باشد. اصل صلاحیت جهانی به معنای اراده‌ی همه اعضای جامعه جهانی در مبارزه با جرایمی است که آثار آن‌ها به جهانیان و کشورهای عضو جامعه جهانی باز می‌گردد، به هر دولت اجازه تعقیب مجرمینی را می‌دهد که مرتکب جرایم خاصی شده‌اند؛ حتی زمانی که دولت تعقیب کننده هیچ رابطه‌ای با جرم، مجرم محل وقوع، یا مجنی علیه ندارد. (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۴). همین خصیصه از صلاحیت جهانی در اصول پرینستون تصریح شده است. اقدام مبتنی بر ماهیت





جرم بدون توجه به تابعیت مجرم، تابعیت مجنی علیه و یا هرگونه ارتباط دیگری با دولت اعمال کننده صلاحیت بویژه اینکه محل ارتکاب جرم کجاست. (www.globalpolicy.org/component/content/article/163/29391.html) ماده (۹) قانون مجازات اسلامی: مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد. شروط سه گانه مندرج در این ماده برای اعمال اصل صلاحیت جهانی عبارتند از نخست وجود قانون خاص یا معاهدات بین‌المللی دال بر تجویز اعمال صلاحیت. دوم یافت شدن متهم در ایران که به معنی تجویز محاکمه حضوری است. سوم هم شرط عام مقدر مبنی بر جرم‌انگاری رفتار مورد تعقیب بر اساس مقررات داخلی است.

پذیرش اصل صلاحیت جهانی مبتنی بر این استدلال است که جنایات مهم بین‌المللی وجدان جهان متمدن و عموم ملت‌ها را متأثر می‌سازد لذا منافع همه دول ایجاب می‌کند که مرتکبان چنین جنایاتی را محاکمه و مجازات نمایند (کامینگا، ۱۳۸۲: ۱۱۴) در واقع اعمال این اصل برای اثبات این است که آشکار شود هیچ جای امنی در جهان برای بزه‌کاران وجود ندارد. با این حال تمام جنایات بین‌المللی موضوع صلاحیت جهانی نیستند؛ بلکه جرایم مشمول این اصل اعم از جنایات ذاتی و قراردادی بین‌المللی می‌باشند. جنایات بین‌المللی ذاتی همان جنایات در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی یعنی جنایت نسل زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز سرزمینی هستند. جرایم بین‌المللی قراردادی نیز مصادیق متنوعی دارند که مهم‌ترین آن‌ها شامل تروریسم، شکنجه، جرایم سازمان یافته نظیر: اقدامات ضد امنیتی در هواپیما، گروگان‌گیری، پول‌شویی، تبعیض نژادی، راهزنی دریایی، قاچاق انسان و مواد مخدر می‌باشند. از این رو در اصل صلاحیت جهانی برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمان بین‌المللی به کمک قاعده‌ای معروف به نام محاکمه کن یا مسترد بدار^۱ تلاش می‌شود تا تبه‌کاران بین‌المللی مورد





تعقیب قرار گیرند. (Bassiouni, 1995: 15) مطابق قاعده مزبور دولت محل دستگیری مجرم یا باید وی را محاکمه نماید یا او را برای محاکمه به کشور دارای صلاحیت دیگر مسترد نماید. مشروعیت صلاحیت جهانی دادگاه‌های داخلی ناشی از عرف یا معاهده بین‌المللی است که در قوانین داخلی تجلی یافته‌اند. برخی نیز عقیده دارند محاکم ملی کشور می‌توانند صلاحیت جهانی را احراز نمایند ولو این که نتوانند به معاهده خاصی استناد نمایند. زیرا هیچ یک از قواعد حقوق بین‌الملل چنین عملی را منع نساخته‌اند. (فروغی، ۱۳۸۸: ۲۴) با این حال تمام معاهدات مرتبط با تروریسم به جز کنوانسیون توکیو، صلاحیت جهانی الزامی را پذیرفته‌اند. با توجه به ۱۲ کنوانسیون تروریسم به نظر می‌رسد که اعمال صلاحیت جهانی در خصوص تروریسم جنبه حقوق بین‌المللی عرفی یافته است. (ضیایی و حکیمی ها ۱۳۹۵: ۹۸)

در هر حال چنانچه به هر دلیلی امکان بهره‌مندی از ظرفیت اعمال سایر اصول صلاحیتی برای جمهوری اسلامی فراهم نباشد؛ پیگیری موضوع از طریق اعمال اصل صلاحیت جهانی به کمک کشورهای صلح طلب و انسان دوست که برای مقابله با اقدامات تروریستی و پیگیری جنایات بین‌المللی آماده باشند؛ فراهم و مقدور است. از آنجا که معیار و ملاک شمول اصل صلاحیت جهانی، نوعاً شدت و وخامت جنایات ارتكابی است، بدیهی است که تروریسم نیز بویژه در نوع مدرن آن که در حال حاضر در جریان است و به صورت بین‌المللی و فراگیر در حال نابودسازی زیرساخت‌های مهم بسیاری از کشورهاست؛ نیز مشمول اصل صلاحیت جهانی قرار می‌گیرد. (رضوی فرد، نمایان، ۱۳۹۴: ۴۷). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در مقابله با اعمال تروریستی مطابق اسناد ناظر بر چنین اقداماتی در جامعه جهانی از جمله ماده (۳) کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی^۱ پتانسیل بالقوه‌ای فراهم می‌کند که می‌تواند برای سرکوب اقدامات تروریستی مورد استفاده قرار گیرد. زیرا تروریسم از جمله جنایاتی

1. Article 3: 1. Each State Party shall take such measures as may be necessary to establish its jurisdiction over the crimes set forth in article 2 in the following cases: (c) When the crime is committed against an internationally protected person as defined in article 1 who enjoys his status as such by virtue of functions which he exercises on behalf of that State.



است که اسناد بین‌المللی را مشمول اصل صلاحیت جهانی دانسته اند. (Bassiouni, 2004: 46)

برخی از کشورها در اجرای اصل صلاحیت جهانی نسبت به تعقیب برخی متهمان به ارتکاب جنایات ضد بشری پیشینه‌ی مناسبی دارند (رضوی فرد و نمایان، ۱۳۹۴: ۳۷) و این احتمال می‌رود که در صورت رایزنی و مشورت با آنها پیگیری برای انجام اقدامات قضایی پیشقدم شوند. چون چنین ظرفیتی محدود به چند کشور نبوده بلکه همه‌ی دول عضو جامعه جهانی از چنین صلاحیتی برخوردارند؛ طرح موضوع و رایزنی قضایی ممکن است با بسیاری از دول از جمله دولت‌های منطقه، دول عضو سازمان همکاری‌های اسلامی یا کشورهایی که برای مقابله با تروریسم و رویکردهای خشن و ضد انسانی در جامعه جهانی استقبال می‌کنند. انتخاب این شیوه گرچه ممکن است چندان ساده به نظر نرسد ولی ظرفیتی قابل توجه دارد که می‌توان از آن بهره گرفت.

۵. راهبردهای قضایی بین‌المللی

از جمله راهکارهای قابل اعمال در تعقیب کیفری آمران حادثه تروریستی مورد بحث، بکارگیری ظرفیت‌های قانونی در جامعه‌ی بین‌الملل است. نهادهای بین‌المللی ذیصلاح با اعمال صلاحیت بر اساس اسناد تأسیسی قادر خواهند بود تا مطابق قواعد دادرسی برای تعقیب و تحقیق در خصوص هر رخداد خطیر و مهم جنایی بین‌المللی اقدام نمایند. در برخی موارد نیز مقررات و رویه‌های بین‌المللی از ظرفیت‌های مناسبی برای تشکیل مرجع قضایی صلاحیتدار موردی به منظور پیگیری جنایی برخی جرایم شدید برخوردارند؛ که از چنین قابلیت‌هایی می‌توان بهره برد.

۵-۱. صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص تعقیب جنایت بین‌المللی مستلزم وجود صلاحیت ذاتی یا موضوعی است. دیوان در حال حاضر به استناد ماده (۵) اساسنامه انحصاراً صلاحیت رسیدگی چهار جنایت خطیر بین‌المللی شامل نسل زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز سرزمینی دارد. جنایت تروریسم در فهرست





صلاحیت ذاتی دیوان وجود ندارد. بنابر این دیوان فاقد صلاحیت موضوعی، جهت رسیدگی به جنایت تروریسم به شکل مستقل است. زیرا اصل قانونمندی جرم و مجازات که از اصول پذیرفته شده در اساسنامه دیوان است؛ از اعمال صلاحیت دیوان به این جرم بین‌المللی مانع خواهد شد. هر چند اقسامی از تروریسم چنانچه در زمره‌ی یکی از مصادیق جنایت مندرج در فهرست ماده (۵) اساسنامه قرار گیرد؛ به طور غیرمستقیم دیوان در اعمال صلاحیت نسبت به آنها، مجاز خواهد بود. (نمایان، ۱۳۹۰: ۶۸).

چنانچه بپذیریم که رفتار تروریستی منجر به شهادت فرمانده سپاه قدس به یکی از شقوق خاص جنایات در صلاحیت دیوان قابل تعقیب باشد؛ موانع جدی دیگری پیش رو خواهد بود. اساسنامه در سه مورد برای دیوان صلاحیت قائل است. نخست مطابق قسمت الف و ب بند (۴) ماده (۵۴) جرائم مشمول صلاحیت ذاتی دیوان در قلمرو حاکمیت دولت عضو یا توسط اتباع دولت عضو ارتکاب یابد. در این دو فرض دولت حاکم بر سرزمین یا دولت متبوع بزهکار، با عضویت خود، به دیوان امکان اعمال صلاحیت می‌دهد. دوم جرائم مشمول صلاحیت ذاتی دیوان در قلمرو حاکمیت یا توسط اتباع دولت غیر عضو ارتکاب یابد که متعاقباً مطابق بند (۹) ماده (۵۴) اساسنامه دیوان، اعمال صلاحیت را با سپردن اعلامیه پذیرفته باشد. سوم جرائم مشمول صلاحیت ذاتی دیوان صرف نظر از قلمرو محل وقوع یا تابعیت بزهکار و بدون لحاظ شرط عضویت دولت در دیوان مطابق بند ب ماده (۵۹) از سوی شورای امنیت ارجاع شود. (مومنی، ۱۳۹۶: ۱۶۰). بنابراین قابلیت پذیرش جنایت مورد بحث موکول به تحقق دستکم یکی از شرایط مذکور است. از آنجا که هیچ یک از دولت‌های جمهوری عراق و ایالات متحده عضو اساسنامه دیوان نیستند؛ اعمال شیوه‌ی نخست ممکن نیست. اما دو طریق باقی مانده در صورت پذیرش موردی یکی از دول و ارجاع شورای امنیت قابلیت اعمال خواهند داشت.

درخواست موردی اعمال صلاحیت از جانب دولت جمهوری عراق به نظر واقع بینانه‌تر خواهد بود. زیرا ارجاع شورای امنیت یا تقاضای دولت ایالات متحده بسیار بعید است لاقابل توجه به اعلام رسمی دولت این کشور مبنی بر صدور دستور اقدام تروریستی به فرمان رئیس جمهور مطابق اعلامیه صریح وزارت دفاع (پنتاگون) و مصاحبه شخص رئیس





جمهور در دفاع از آن و اعتراف به آمریت این اقدام، چنین درخواستی از دولت فعلی بسیار غیر محتمل و چه بسا محال است. ارجاع شورای امنیت نیز به دلیل وجود حق وتو و احتمال بالای استفاده از آن حتی در صورت وجود اراده جمعی سایر ملل آزاد، راه کار مناسبی نخواهد بود. هر چند اصل وجود اراده جمعی برای توسل به ارجاع موضوع از طریق شورای امنیت با توجه به قرائنی که تا کنون وجود داشته، محل تردید جدی است. در نتیجه تنها طریق توسل به دیوان کیفری بین المللی قانع کردن دولت جمهوری عراق برای درخواست و پذیرش موردی صلاحیت دیوان مزبور است با این قید که دادستان دیوان حادثه تروریستی را نه مستقلاً به عنوان تروریسم، بلکه غیر مستقیم در زمره‌ی یک از مصادیق جنایات مشمول صلاحیت دیوان بپذیرد و شعبه‌ی مقدماتی دیوان مجوز تحقیق و تعقیب را برای دادستان صادر کند.

حتی اگر بر اساس اصلاحیه‌های اساسنامه در خصوص تعمیم صلاحیت به تروریسم در حیطه صلاحیت قضایی دیوان قرار گیرد، وقتی تروریسم به وسیله اتباع دولت‌های عضو یا در قلمرو همین دولت‌ها واقع شود، دیوان به طور عام از صلاحیت قضایی در خصوص چنین جرمی برخوردار نخواهد بود، بلکه تنها دولت‌های عضوی که اصلاحیه صلاحیت قضایی دیوان را پذیرفته‌اند، به واسطه آن ملتزم می‌شوند. (نمایان، ۱۳۹۰: ۷۸) علیرغم همه‌ی این موارد، تعقیب آمران واقعه‌ی تروریستی از طریق اعمال صلاحیت دیوان در صورت رخداد، به لحاظ عدم شناسایی مصونیت تعقیب کیفری برای سران و مقامات دولتی در اساسنامه، از این حیث اقدامات تعقیبی با مانعی مواجه نخواهند بود.

۵-۲. صلاحیت دیوان کیفری موردی

از جمله ظرفیت‌هایی که در نظام بین الملل برای تعقیب جنایات تروریستی وجود دارد؛ استفاده از نهادهای بین المللی برای تأسیس دیوان‌های اختصاصی و موردی است. از آنجا که دیوان کیفری بین المللی به طور مستقیم صلاحیت رسیدگی به جنایات تروریستی را ندارد؛ تشکیل دادگاه‌های ویژه موردی با خصیصه‌ی بین المللی شده، از راهبردهای ممکن برای تعقیب افراد و عاملانی می‌باشد که دستور عملیات تروریستی را صادر یا آن را اجرا





کرده اند. این دیوان می تواند مشابه دادگاه بین المللی شده ویژه ترور رفیق حریری در لبنان باشد. دیوانی که با مشارکت جامعه بین المللی و دولت لبنان تشکیل شد.

دیوان ویژه لبنان یکی از منحصر به فردترین دیوان های مختلط بین المللی است که صلاحیت ذاتی و موضوعی آن اختصاص به تروریسم دارد. تأسیس این دیوان سرآغازی برای تعقیب جنایت تروریسم در نظام حقوق بین الملل کیفری است. دیوانی که برای مقابله با سزاگیزی تروریسم واقعیت عینی پیدا کند. به موجب قطعنامه ۱۷۵۷ و در پی ترور رفیق حریری نخست وزیر لبنان در ۱۴ مارس ۲۰۰۵ ایجاد شد. تجربه عملکرد دیوان لبنان تا زمانی که تروریسم به عنوان جنایت در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی قرار گیرد واجد اهمیت است. (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

تعقیب ایجاد و تشکیل چنین دیوانی با مشارکت دو دولت جمهوری اسلامی و جمهوری عراق با نظارت و همکاری سازمان ملل متحد خود الگوی جدیدی از اراده ی جمعی برای مقابله با اقدامات تروریستی خواهد بود. اجرایی شدن این ایده چندان هم ساده و کم چالش نیست و نظیر هر اقدام جمعی بین المللی صعوبت های ویژه خود را دارد. توفیق چنین راهکاری نه تنها موکول به توافق دولت های ایران و عراق به عنوان دولت های قربانی تروریسم خواهد بود؛ بلکه اراده بین المللی فارغ از اغراض جانبدارانه ی سیاسی ناشی از بلوک بندی های منطقه ای یا فرامنطقه ای و صرفاً بر اساس معاهدات ضد تروریستی و صلح جویانه می طلبد تا با عبور از حق و توی برخی از اعضای دائم شورای امنیت ممکن و عملیاتی شود. مقاصد ارزشمندی که عدالت و صلح پایدار را برای کلیه اعضای جامعه بشری و نه صرفاً برای بخش گزینش شده از آن طلب نماید.

نتیجه گیری

تروریسم دولتی مغایرت اساسی با رسالت دول مبنی بر حفظ صلح و پاسداری از امنیت جمعی دارد و همزیستی مسالمت آمیز ملل با یکدیگر را مخدوش می سازد. معاهدات بین المللی برای ممانعت از هر گونه اقدام مغایر صلح و ناقض امنیت، ثبات و نظم جامعه ی جهانی، اقسام متعدد تروریسم را نفی و از اعضای جامعه ی بین الملل می خواهند که تدابیر





قانونی لازم برای پیشگیری و مجازات مرتکبان آن را فراهم سازند. چنانچه دولتی برخلاف تعهد بین‌المللی نه تنها مانع اقدامات تروریستی نشده بلکه آشکارا و به طور رسمی دستور به ارتکاب آن دهد؛ می‌بایست عواقب این اقدام خطرناک و غیرقانونی را بپذیرد. پاسخگویی قضایی به رفتار ناقض معاهدات مستلزم شناسایی مرجع صلاحیت‌دار و قانون حاکم است. در حادثه تروریستی علیه مقامات مورد حمایت بین‌المللی، از سه ظرفیت قانونی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده خواهد شد تا ضمن ممانعت از بی‌کیفری آمران این اقدام بی‌سابقه، از موارد مشابه در آینده پیشگیری شود. اعمال اصول صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده، صلاحیت واقعی قابلیت‌های قضایی نظام کیفری ملی جمهوری اسلامی ایران است. به کارگیری همکاری و مشارکت دولت جمهوری عراق در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی یا درخواست موردی این کشور از دیوان کیفری بین‌المللی در اجرای اساسنامه دیوان به عنوان دولت پذیرنده صلاحیت در مورد قضیه خاص، از راهبردهای منطقه‌ای مقابل با سزاگیزی آمران جنایت تروریستی شمرده می‌شود. طرح تشکیل دیوان کیفری اختصاصی با همکاری و مساعدت جامعه‌ی بین‌الملل شبیه موارد تجربه شده در مجازات تروریست‌ها، یا بکارگیری ظرفیت شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارجاع قضیه نه به صورت جرم مستقل تروریستی بلکه در قالب یکی از اشکال و اقسام جنایت بین‌المللی، از جمله راهکارهای بین‌المللی ممانعت از بی‌کیفری مسئولان واقعه تروریستی می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

UN Chart: Article 2 4- All Members shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any state, or in any other manner inconsistent with the Purposes of the United Nations.

UN Chart: Article 51: Nothing in the present Charter shall impair the inherent right of individual or collective self-defence if an armed attack occurs against a Member of the United Nations, until the Security Council has taken measures necessary to maintain international peace and security.





اصل (۱۴۳) قانون اساسی مقرر می‌دارد: ارتش جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد. در زمان تشکیل مجلس خبرگان نامه‌ای از طرف سپاه به رئیس مجلس خبرگان نوشته شد تا ماموریت سپاه در قانون اساسی لحاظ شود برخی افراد در مجلس خبرگان از جمله شهیدان دیالمه و آیت نیز نقش‌آفرینی کردند.

تروریست‌های داعش گروهی سلفی بودند که پس از سقوط رژیم صدام در سال ۲۰۰۳ در کشور عراق و نبود قدرت در این سرزمین، پدید آمدند و در سال ۲۰۰۶ اعلام موجودیت کردند. از سال ۲۰۱۰ و با رهبری جدید فعالیت‌های تروریستی این گروه افزایش یافت سپس با اشغال بخش‌هایی از شمال و غرب عراق گسترش یافت تا آن که در سال ۲۰۱۴ در مرکز استان نینوا شهر موصل اعلام خلافت کرد و پایتخت دولت اسلامی را شهر رقه در کشور سوریه تعیین نمود. پیشروی گروه داعش در کشور سوریه با سوء استفاده از اعتراضات مردمی و کمک گروه‌های شورشی مخالف دولت این کشور سبب اشغال بخش‌های وسیعی از آن شد و در عراق نیز با تصرف تکریت مرکز استان صلاح الدین ادامه یافت. در نهایت این گروه به قصد محاصره و اشغال شهر بغداد مرکز و پایتخت کشور عراق، تروریست‌های خود را اعزام کرد که تا نزدیکی‌های این شهر نیز پیشروی کردند و پایتخت عراق تا مرز سقوط پیش رفت. در این شرایط دولت عراق با کمک‌های بین‌المللی و به خصوص مساعدت ویژه دولت ایران و با پشتیبانی مرجعیت شیعه در اعلام جهاد علیه گروه داعش و از طریق مسلح شدن نیروهای مردمی و تشکیل نیروی موسوم به حشد الشعبی یا همان بسیج مردمی به مقابله همه جانبه با این گروه تروریستی اقدام کرد. برای قانونمند سازی فعالیت‌های نظامی گروه حشد الشعبی دولت عراق قانون حمایت از این نیرو را تصویب که در ماده یک این قانون مقرر شده حشد الشعبی بخشی از نیروی مسلح دولت عراق است که تحت فرماندهی فرمانده کل نیروهای مسلح قرار می‌گیرد.

شهید قاسم سلیمانی در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ هجری شمسی در ایل عشایر سلیمانی در شهرستان رابر از توابع استان کرمان به دنیا آمد. در جریان انقلاب اسلامی ایران با روحانیون انقلابی آشنا و از این طریق در جوانی به مبارزان انقلاب پیوست. وی به مرور به یکی از





فعالان و چهره‌های مؤثر در راهپیمایی‌های مردمی و اعتصابات عمومی سال ۱۳۵۷ در شهر و استان کرمان در زمان انقلاب و تا پیروزی آن مبدل شد. با تشکیل سپاه پاسدارن پس از پیروزی انقلاب و از سال ۱۳۵۹ به عضویت این نیرو درآمد. هم‌زمان با شروع جنگ صدام علیه ایران آموزش و اعزام نیروهای داوطلب مردمی در شهر کرمان را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۶۰ به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله از جانب فرماندهی کل سپاه پاسدارن، منصوب و در عملیات‌های مهم والفجر ۸، کربلای ۴ و ۵ فرماندهی کرد. در سال ۱۳۶۷ با پذیرش قطعنامه و پایان جنگ، به شهر و سپاه کرمان بازگشت و مسئولیت مقابله با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان را عهده‌دار گردید. در سال ۱۳۷۹ با حکم رهبری، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. پس از ظهور داعش در عراق و سوریه، سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس با حضور در این مناطق و سازماندهی نیروهای مردمی، به مبارزه با این گروه پرداخت. وی در ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ توسط نظامیان آمریکایی به دستور رئیس جمهور ایالات متحده در بغداد ترور و با چند تن از همراهان به شهادت رسید.

با نزدیک شدن نیروهای داعش به مرزهای غربی ایران، دولت برای حفظ امنیت مرزهای کشور و منطقه، با درخواست دولت عراق به کمک دفاع از اقلیم کردستان در قبال یورش داعش برخاست. علاوه بر آن در پاسداری از اماکن مقدس در عراق و سوریه در قبال اقدامات تروریستی داعش، نیروهای مستشاری و نظامی به کشورهای سوریه و عراق اعزام و مبارزه با این گروه تروریستی را آغاز کرد. اقدامات نظامی ایران با محوریت سپاه قدس و به فرماندهی شهید قاسم سلیمانی انجام شد. تشکیل و سازماندهی نیروهای حشد الشعبی در عراق و انسجام مبارزان افغانستانی در کشور سوریه در قالب لشکرهای فاطمیون و زینبیون که نقش مؤثری در شکست و اخراج داعش از عراق داشتند؛ از ابتکارات نظامی این شهید است.

نامه‌ی ۳۰ آبان ۱۳۹۶ سردار سلیمانی به فرمانده کل قوا: حقیر به عنوان سرباز مکلف شده از جانب حضرت‌عالی در این میدان، با اتمام عملیات آزادسازی ابوکمال آخرین قلعه داعش با پایین کشیدن پرچم این گروه آمریکایی - صهیونیستی و برافراشتن پرچم سوریه، پایان سیطره این شجره خبیثه ملعونه را اعلام می‌کنم.





به گزارش خبرگزاری رسمی ایران؛ هواپیمای غیرنظامی حامل سردار سلیمانی وابسته به شرکت «اجنحه الشام» بود که از سوریه به عراق پرواز می کرد. زمان فرود هواپیما ساعت ۳۰:۱۱ شامگاه پنج شنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۹۸ بود اما به دلیل تاخیر در پرواز آن در سوریه، یک ساعت پس از موعد مشخص شده به بغداد رسید. این هواپیما در دروازه شماره ۲۱ فرودگاه بین المللی بغداد توقف کرد. دو خودروی دولتی نزدیک هواپیما منتظر سردار سلیمانی بودند. ایشان با استقبال معاون نخست وزیر عراق (معاون حشد الشعبی) ابومهدی المهندس مواجه و در معیت وی در خودروی اول مستقر شدند. نیروهای محافظ نیز در خودروی دوم به دنبال آنها حرکت کردند و از فرودگاه بیرون رفتند. یک فروند هواپیمای بدون سرنشین «MQ-9 Ripper» ایالات متحده بدون کسب مجوز پرواز در آسمان بغداد از دولت عراق، در مسیر حرکت خودروها قرار گرفت و آنها را زیر نظر داشت. به محض اینکه خودروها به حومه فرودگاه رسیدند، هواپیمای بدون سرنشین دو موشک به سمت خودروی اول که حامل سردار سلیمانی و المهندس بود پرتاب کرد. موشک ها به خودرو برخورد و سبب انفجار شدید آن شد. موشک سوم هم با فاصله اندکی از دو موشک اول، با خودروی حامل محافظان اصابت کرد. در این اقدام تروریستی فرمانده ۶۲ ساله نیروهای قدس سپاه پاسداران به همراه معاون نیروهای رسمی حشد الشعبی عراق با محافظانشان ترور و همگی به شهادت رسیدند.

Statement by the Department of Defense, Jan. 2, 2020: At the direction of the President, the U.S. military has taken decisive defensive action to protect U.S. personnel abroad by killing Qasem Soleimani, the head of the Islamic Revolutionary Guard Corps-Quds Force,

Agnès Callamard: is a French Human Rights expert and Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions at the Office of the United Nations

UN rapporteur on extrajudicial executions wants official probe of Soleimani killing 2020/01/08/

پرونده کارولین اشاره به نظریه دانیل وبستر در ارزیابی حمله انگلستان به کشتی کارولین حامل استقلال طلبان کانادایی در قرن نوزدهم به عنوان دفاع پیشگیرانه دارد. به





موجب معیار وضع شده در نظریه وبستر ضرورت و تناسب از اصول مهم در دفاع پیشگیرانه اعلام گردید.

Charles Pierson (2004). "Preemptive Self-Defense in an Age of Weapons of Mass Destruction: Operation Iraqi Freedom". Denver Journal of International Law and Policy. University of Denver. 33 (1).

Chapter 33: War Powers Resolution (c) Presidential executive power as Commander-in-Chief; limitation: The constitutional powers of the President as Commander-in-Chief to introduce United States Armed Forces into hostilities, or into situations where imminent involvement in hostilities is clearly indicated by the circumstances, are exercised only pursuant to (1) a declaration of war, (2) specific statutory authorization, or (3) a national emergency created by attack upon the United States, its territories or possessions, or its armed forces.

Unequivocally condemns all acts, methods and practices of terrorism as criminal and unjustifiable, regardless of their motivation, in all their forms and manifestations, wherever and by whomever committed, in particular those which could threaten international peace and security

United Nations S/RES/1368 Security Council, 12 September 2001, Resolution 1368 (2001)

... and regards such acts, like any act of international terrorism, as a threat to international peace and security

Declares that acts, methods, and practices of terrorism are contrary to the purposes and principles of the United Nations and that knowingly financing, planning and inciting terrorist acts are also contrary to the purposes and principles of the United Nations;

Aggremanet of Iraq and united state of America 3: Iraqi land, sea, and air shall not be used as a launching or transit point for attacks against other countries.

Measures to eliminate international terrorism, Resolution adopted by the General Assembly on 7 December 2017: on the report of the Sixth Committee (A/72/467)], 72/123. 1. Strongly condemns all acts, methods and practices of terrorism in all its forms and manifestations as criminal and unjustifiable, wherever and by whosoever committed

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: ماده (۲۷): بی اهمیت بودن تصدی مقام رسمی ۱-

این اساسنامه بر همه افراد به طور یکسان و بدون تمایز بر اساس تصدی یک مقام رسمی قابل تطبیق است. خصوصاً تصدی سمت‌های رسمی از قبیل رئیس یک کشور یا دولت، عضو دولت یا پارلمان، نماینده منتخب یا مقام رسمی دولتی، به هیچ وجه نمی‌تواند شخص را از مسئولیت کیفری معاف سازد. همچنان که وجود سمت‌های مذکور به تنهایی علتی





برای تخفیف مجازات نخواهد بود. ۲- مصونیت‌ها یا مقررات دادرسی ویژه که امکان دارد بخشی از تصدی یک سمت رسمی براساس قوانین ملی و یا مقررات بین‌المللی را تشکیل دهد، نمی‌تواند مانع اعمال صلاحیت قضایی دیوان نسبت به چنین شخصی شود.

International Court of Justice, Reports of Judgments, Advisory opinions and orders, Case concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000, (Democratic Republic of the Congo V. Belgium), Judgment of 14 February 2002 finds that the issue against Mr. Abdulaye Yerodia Ndombasi of the arrest warrant of 11 April 2000, and its international circulation, constituted violations of a legal obligation of the Kingdom of Belgium towards the Democratic Republic of the Congo, in that they failed to respect the immunity from criminal jurisdiction and the inviolability which the incumbent Minister for Foreign Affairs of the Democratic Republic of the Congo enjoyed under international law;

Argentinean Red Notices for Iranian officials cancelled, 27 September 2005. Lyon, France- Delegates at the 74th Interpol General Assembly have upheld the unanimous decision by Interpol's Executive Committee to cancel Red Notices issued by an Argentinean judge accused of corruption.

France Penal Code Article 113-7: French Criminal law is applicable to any felony, as well as to any misdemeanor punished by imprisonment, committed by a French or foreign national outside the territory of the French Republic, where the victim is a French national at the time the offence took place.

NO (111) 1969 Iraq Penal Code Sub-Section Two: Application of the law in respect of place- 1: Territorial jurisdiction

Paragraph 6- The provisions of this Code are enforceable in respect of offences committed in Iraq. An offence is considered to have been committed in Iraq if a criminal act is committed there or if the consequence of that act is realised or is intended to be realised there. In all circumstances, the law applies to all parties to the offence of which all or part occurs in Iraq even though any of those parties are abroad at the time and regardless of whether he is a principal or accessory to the offence.

The principle of universal jurisdiction is based on the notion that certain crimes are so harmful to international interests that states are entitled - and even obliged - to bring proceedings against the perpetrator, regardless of the location of the crime or the nationality of the perpetrator or victim.

Article 3: 1. Each State Party shall take such measures as may be necessary to establish its jurisdiction over the crimes set forth in article 2 in the following cases:



(c) When the crime is committed against an internationally protected person as defined in article 1 who enjoys his status as such by virtue of functions which he exercises on behalf of that State.



منابع

- (۱) احمدی، اصغر، تقی زاده انصاری، محمد، ۱۳۹۵ش، مقایسه تطبیقی اصول صلاحیتی برون مرزی در قوانین جزایی آلمان، چین و....، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات بین المللی پلیس، سال ششم، ش ۲۵.
- (۲) پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۰ش، تحول اصل صلاحیت واقعی در لایحه جدید مجازات اسلامی با نگاهی تطبیقی، فصلنامه علمی- پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۵.
- (۳) -----، ۱۳۹۲ش، حقوق جزای بین الملل، تهران، انتشارات جنگل، چ ۳.
- (۴) حاجتی، مهدی؛ ۱۳۹۵ش، بررسی تحولات قانون مجازات اسلامی- اصل صلاحیت شخصی قوانین کیفری، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال شصت و هفتم، ش ۲۳۴.
- (۵) رضوی فرد، بهزاد، نامیان، پیمان، ۱۳۹۴ش، رویارویی با بی کیفری تروریسم؛ راهبردی نوین در پرتو تحولات نظام حقوق بین المللی کیفری، مجله راهبرد، سال بیست و چهارم، ش ۷۶.
- (۶) سلیمی ترکمانی، حجت؛ ۱۳۹۷ش، تروریسم و نظام عدالت کیفری: دیوان کیفری بین المللی یا دادگاه مختلط؟، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۹، ش ۲، ش پیاپی ۱۸.
- (۷) ضیایی، سید یاسر، حکیمی ها، سعید، ۱۳۹۵ش، شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، ش ۵۳.
- (۸) فروغی، فضل الله؛ ۱۳۸۸ش، منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دور اول ش ۳.
- (۹) کامینگا، منوتی، ۱۳۸۲ش، اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری، مترجم محمد جواد شریعت باقری، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۲۰، ش ۲۸.





۱۰) مومنی، مهدی، ۱۳۹۶ش، ارزیابی اعمال صلاحیت جزایی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی داعش در سوریه و عراق، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، ش ۱.

۱۱) میرمحمدصادقی، حسین، ایزدیار، علی، ۱۳۹۲ش، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه با تاکید بر قانون جدید مجازات اسلامی، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۵.

۱۲) نمایان، پیمان؛ ۱۳۹۰ش، صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، ش ۱، ش. مسلسل ۵۱.

۱۳) قانون اساسی

۱۴) قانون استخدامی سپاه

۱۵) قانون العقوبات العراقيه رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹م.

۱۶) قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا.

۱۷) قانون مجازات اسلامی.

۱۸) قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه

- 19) Bassiouni, Cherif; (2004), The History of Universal Jurisdiction and its place in international crimes under international Law, University of Pennsylvania Press.
- 20) Bassiouni Cherif and Edward M. Wise; (1995), The Duty to Extradite or Prosecute in International Law, London, Martinus Nijhoff Publishers.
- 21) Cedric, Ryngaert; (2015), Jurisdiction in international law, oxford university press.
- 22) Charles Pierson; (2004), "Preemptive Self-Defense in an Age of Weapons of Mass Destruction: Operation Iraqi Freedom". Denver Journal of International Law and Policy. University of Denver. 33 (1).
- 23) Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents 1973.
- 24) Friedrichs, Jörg; (2006), "Defining the International Public Enemy: The Political Struggle behind the Legal Debate on International Terrorism", Journal of International Law, Vol. 19, No. 1.
- 25) probe of Soleimani killing 2020/01/08.
- 26) International Court of Justice, Reports of Judgments.



- 27) Measures to eliminate international terrorism, Resolution adopted by the General Assembly on 7 December 2017.
- 28) Scharf Michael; (2011), Special Tribunal for Lebanon Issues Landmark Ruling on Definition of Terrorism and Modes of Participation, The American Society of International Law, Issue: 6, Volume: 15.
- 29) Statement by the Department of Defense, Jan. 2, 2020: At the direction of the President, the U.S. military has taken decisive defensive action to protect U.S. personnel abroad by killing Qasem Soleimani, the head of the Islamic Revolutionary Guard Corps-Quds Force.
- 30) The Princeton Principles on Universal Jurisdiction, 2001.
- 31) United Nations S/RES/, 1373, Adopted by the Security Council at its 4385th meeting, on 28 September 2001.
- 32) United Nations S/RES/1368 Security Council, 12 September 2001, Resolution 1368 (2001)
- 33) United Nations, Security Council .Generals/RES/1269 (1999)19 October 1999
- 34) <https://article.tebyan.net>.
- 35) <https://fa.alalamtv.net/news/4653681>.
- 36) <https://www.asriran.com/fa/news>.
- 37) <https://www.globalpolicy.org/component/content/article/163/29391.html>.
- 38) <https://www.interpol.int>, Argentinean .
- 39) <https://www.khabaronline.ir/news/1354285>.
- 40) https://www.salon.com/un_rapporteur_on_extrajudicial_executions_wants_official.
- 41) France Penal Code , 1992 .
- 42) Iraq Penal Code, 1969.

